



بسیاری از اطلاعات ما راجع به واقعه کربلا منقول از دشمن است

دکتر رجبی دوانی با تأکید بر لزوم نگارش واقعه کربلا از دیدگاه ائمه اطهار، گفت: خیلی از نقلهای تاریخی مربوط به کربلا از «حمید بن مسلم ازلی» وقایع نگار سپاه عمر سعد است و مشخص نیست ...

دکتر رجبی دوانی با تأکید بر لزوم نگارش واقعه کربلا از دیدگاه ائمه اطهار، گفت: خیلی از نقلهای تاریخی مربوط به کربلا از حمید بن مسلم ازلی؛ وقایع نگار سپاه عمر سعد است و مشخص نیست همه حقایق را نوشته یا خیر. وقتی در تاریخ مطالب شبه ناک داریم که توسط دشمن نوشته شده است، نمی توانیم آن را اصل قرار دهیم در حالیکه از معصوم نقل صحیح داریم. دکتر محمدحسین رجبی (دوانی) کارشناس تاریخ اسلام و معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه امام حسین (ع) در مورد واقعه عاشورا به سؤالات خبرنگار مهر پاسخ گفت که در پی می آید.

* چرا در بیان وقایعی چون واقعه کربلا صرفا از منابع تاریخی بهره برداری می شود و این در حالی است که ما روایات مختلفی در مورد حرکت امام حسین (ع) داریم و حتی سخنرانی ها و خطبه های آن حضرت در طول مسیر در مدینه، مکه، و کربلا و... وجود دارد؟ اما بیشتر به کتب تاریخی که نویسندگان آنها از اهل سنت هستند استناد می شود؟

- بسیاری از اطلاعات ما راجع به واقعه کربلا منقول از دشمن است. دشمن وقایع نگار جنگی داشت و عده ای از جنایتکاران فاجعه کربلا بعد از بازگشت چون تصور نمی کردند که بعدها مختاری ظهور کند، آنچه را که اتفاق افتاده بود را نقل می کردند و شاید آنچه را دلشان می خواست می گفتند. اما شیعه مدتها محدود و محصور و در تقیه بود و در واقع دور دست اهل تسنن بود و تاریخ را هم آنها نوشتند حالا به نقل از حاضران صحنه عاشورا و یا با استفاده از شواهد و قرائن این واقعه نگاشته شد لذا ما نمی توانیم صرف آنچه که اهل تسنن نوشتند و ما امروز بخش مهمی از بحثهای مربوط به واقعه عاشورا را از آنها گرفتیم، بخواهیم اعتماد کنیم. لذا این کوتاهی را من متوجه حوزه های علمیه می دانم و حوزه ها باید به بررسی احادیث در مورد عاشورا و حرکت امام حسین (ع) بپردازند.

به هر حال تاریخ اسلام را اهل تسنن نوشته اند چون حکومت داشتند و همان تاریخ نگاران سنی هم آزاد نبودند و باید خطوط قرمز حاکمیت را رعایت می کردند. لذا ما تاریخ صحیح از تاریخ اسلام نداریم اما راجع به برخی از وقایع، حدیث داریم. مثلا برخی از مطالب تاریخی را خود بنده در احادیث پیدا کرده ام که در هیچ کتاب تاریخی آن را نمی یابیم. اما متأسفانه من متخصص حدیث نیستم که حدیث ضعیف را از حدیث صحیح تشخیص دهم.

متأسفانه دشمنان آگاه و دوستان جاهل احادیث زیادی را جعل کردند و به ائمه نسبت دادند که البته جعل حدیث در میان اهل سنت بسیار زیاد است که شیعه هم از این مسئله مصون نبوده است لذا شما می بینید که کتاب بزرگ 171؛ بحارالانوار؛ که از یک طرف ذخیر بزرگ شیعه است از طرفی جز اهل فن نمی توانند از آن استفاده کنند چون خود علامه مجلسی در مقدمه این کتاب می گوید من وظیفه داشتم احادیث را برای حفظ آنها از خطر نابودی جمع آوری کنم که در این مجموعه احادیث ضعیف هم وجود دارد و وظیفه بعدی ها است که بررسی کنند که این احادیث ضعیف را جدا کنند. اما متأسفانه این کار آنطور که باید و شاید انجام نگرفته است. البته مرحوم شیخ عباس قمی در 171؛ سفینه البحار؛ تعدادی از احادیث را در 8 جلد عرضه کرد اما ای کاش کار اساسی صورت گیرد و حدیث شناسان در این مسیر قدم بردارند.

البته این دقت نظر را علمای ما در حدیث دارند اما فقط در احادیث فقهی این دقت را دارند چون به احکام عملی مردم برمی گردد اما متأسفانه این دقت را حتی در احادیث اعتقادی و کلامی و اخلاقی نکردند تا چه برسد به احادیث تاریخی ولذا جا دارد دوستان به این مسئله توجه کنند به ویژه در مورد مسئله مهدویت باید این احداث پالایش شود. چون ما کمابیش در مورد واقعه کربلا که در گذشته اتفاق افتاده اطلاعات داریم اما در مورد مهدویت که مربوط به آینده است، نمی توانیم در تاریخ آن را جستجو کنیم، نیاز به پالایش و بررسی احادیث ضعیف از صحیح است. البته شیخ عباس قمی در مورد واقعه عاشورا در 171؛ منتهی الامال؛ و 171؛ نفس المهموم؛ تلفیقی از تاریخ و حدیث را آورده است.

مؤسسه دارالحدیث دانشنامه امام حسین (ع) را نوشته است اما کارشان بیشتر روی تاریخ بوده تا حدیث. یعنی منابع تاریخی مقتلها را آورده اند و سعی کردند نقلهای معتبر از مقاتل گوناگون بیاورند اما جا داشت که همین کار را روی حدیث انجام می دادند چون آنجا دارالحدیث است و حدیثهای مربوط به قیام امام حسین (ع) را بیاورند تا کتابی داشته باشیم که قیام عاشورا را از منظر ائمه (ع) نوشته باشند.

اگر ما احادیث پالایش شده و معتبر از ائمه راجع به واقعه کربلا داشته باشیم اصلا بقیه نقلهای تاریخی اگر معارض با آن باشد را باید

دور ریخت چون اصل برای ما سخن امام معصوم است. خیلی از نقلهای تاریخی مربوط به واقعه کربلا از 171# حمید بن مسلم ازلی؛ وقایع نگار سپاه عمر سعد است، آیا همه حقایق را نوشته است یا خیر، مشخص نیست. وقتی در تاریخ مطالب شبه ناک داریم که توسط دشمن نوشته شده است ما نمی توانیم آن را اصل قرار دهیم در حالیکه از معصوم نقل صحیح داریم.

عقل سلیم و اعتقاد شیعی ایجاب می کند وقتی از معصوم مطلب داریم همان را اصل قرار دهیم و جا دارد دوستان اهل حدیث واقعه کربلا را از منظر اهل بیت(ع) بنویسند. این وظیفه علما است که متولیان دین در عصر غیبت هستند که حقایق را به اطلاع مردم برسانند و تکلیف بسیاری از سؤالات مربوط به عاشورا را از طریق روایات معتبر روشن کنند و بگویند حداقل به کدام مقتل می توان با اطمینان مراجعه کرد.

* آیا هدف امام حسین(ع) از ابتدای حرکت از مدینه به سمت مکه تشکیل حکومت بود و یا اینکه تغییر شرایط و برخی اتفاقات ایشان را به این تصمیم نزدیک کرد؟

- امام در برابر آن بدعت شوم و منکر بزرگ که حاکمیت فساد و فجار بر مؤمنان است، ایستادند. در آغاز تکلیف امام تشکیل حکومت نیست، تکلیف اولیه آن حضرت این بود که در برابر بدعت بسیار خطرناکی که در صورت ریشه دواندن دیگر چیزی از اسلام باقی نمی گذاشت، بایستد که البته این تنها تکلیف امام نبود، بلکه وظیفه همگان بود. خود امام حسین(ع) در مواجهه با 171# حر؛ و در پاسخ به این سؤال که چرا به این منطقه آمدید؟ ادر پاسخ به حدیثی از پیامبر اشاره می فرمایند که نشان می دهد وظیفه همه ایستادن در برابر چنین وضعی است.

همان حدیثی که پیامبر می فرماید هر کس حاکم جائری را ببیند که احکام خدا را دستخوش تغییر قرار داده و حرامهای الهی را حلال کرده و پیمان الهی را شکسته اگر به قول و فعل در برابر او نایستد بر خداست که در روز قیامت او را همراه آن حاکم جائر به آتش دوزخ بیفکند. یعنی همه وظیفه به ایستادگی دارند حتی اگر کشته شوند و اینجا دیگر صحبت ولایت نیست صحبت نجات اسلام از این قهقرا و تباهی است که به نابودی کامل اسلام منجر می شود.

اما اگر در مسیر مثل مردم کوفه گفتند ما هم می خواهیم مثل شما زیر این ظلم نرویم و مقاومت کنیم و چنانچه به جنگ ما آمدند با آنها بجنگیم و اگر پیروز شدیم حکومت حق تشکیل دهیم و چه کسی بهتر از شما که رهبری ما را در دست بگیرد، اینجا دیگر برای امام تکلیف ثانویه ایجاد می شود. حالا که جامعه- لازم نیست همه جامعه بلکه بخشی از آن به ویژه کوفه که درخشان ترین سابقه را در اسلام دارد- اعلام آمادگی می کند که حاضریم در کنار شما با دشمن بجنگیم و از این ذلت بیرون بیاوریم و این خطری که اسلام را تهدید می کند را رفع کنیم و بیاوریم که ما با شما هستیم. وقتی مردم امر حق را درخواست کنند و حق بالاتر از تحقق حاکمیت ولایت و رهبری فرزندان رسول خدا بر جامعه نیست خوب اینجا برای امام حسین(ع) تکلیف ایجاد شد.

* چطور می توان واقعه عاشورا را با بحث حکومت عدل الهی امام زمان(عج) پیوند زد چراکه از حضرت صاحب الزمان(عج) به عنوان منتقم بزرگ کربلا یاد می شود؟

- اگر خیانت و فاجعه سقیفه صورت نمی گرفت و حضرت علی(ع) بر جای پیامبر می نشست، آن تمدن عالی و متمدنی که پیامبر سنگ بنای آن را نهاده بود، توسط امام علی(ع) تداوم پیدا می کرد و قطعاً آن اتفاقات پس از رحلت پیامبر و آن جنگها و اختلافات بین امت اسلامی پیش نمی آمد. ما نمی دانیم عمر شریف امیرالمؤمنین(ع) چقدر ادامه داشت اما مسلماً با تداوم راه پیامبر(ص) یک جهش و رشد عظیمی از نظر فرهنگ و تمدن و معنویت در اسلام پدید می آمد که به سرعت جامعه اسلامی را ضمن گسترش کمی از نظر کیفی به حداعلی می رساند.

شما می بینید که خلفای غاصبند که به قول حضرت علی(ع) این ردا و عبا برای آنها دوخته نشده بود که بر تن کردند؛ با برداشتهای غلط و تفسیرهای اشتباه از قرآن و اسلام، دولت اسلامی را مثلاً رهبری کردند اما با این حال چون اسلام غنای فراوانی داشت و قرآن معجزه بزرگی بود، مسلمانان حتی در حاکمیت بنی امیه و بنی عباس، از نظر تمدن و فرهنگ چند قرن حرف اول را در دنیا می زدند، حالا شما تصور کنید که اگر این جامعه اسلامی بنا بر وصیت پیامبر، توسط امام علی(ع) و دیگر فرزندان ایشان رهبری می شد، چه اتفاقی می افتاد. به همین دلیل است که معتقدم شرایطی که برای امام زمان(عج) فراهم می شود که آن شرایط فقط و فقط روی آوری مردم به سوی رهبری حق است، متأسفانه این شرایط در زمان ائمه دیگر پیش نیامد.

مردم در زمان امام مهدی(عج) به میدان می آیند و حاضرند از جانشان مایه بگذارند تا از زیر بار ظلم و ستمی که دنیا را فراگرفته،

نجات پیدا کنند. وقتی جامعه به این درجه از آمادگی برسد، آنگاه امام زمان قیام خواهد کرد و اگر این شرایط برای اهل بیت(ع) در گذشته بود، کاری که امام زمان(عج) می خواهند در آخرالزمان انجام دهند، آن بزرگواران از اول انجام می دادند. بنا نبود که فقط مردم آخرالزمان در نعمت عدل و حکومت پر برکت ولایت قرار گیرند بلکه همه این بزرگواران قرار بود این کار را برای کل بشریت انجام دهند ولی متأسفانه آن شرایط برای حضور مقدس ائمه در میان مردم پیش نیامد و مردم فهم و درک و لیاقت نداشتند که از این ذوات مقدس به طور شایسته دفاع و اطاعت کنند تا آنها بتوانند برکات عظیم الهی را برای مردم به ارمغان بیاورند.

لذا معتقدم اگر مردم کوفه به تعهد خود در دعوت از امام حسین(ع) وفا می کردند و اگر حتی همان 4 هزار نفر که با توابعین قیام کردند در روز عاشورا در کنار امام بودند قطعاً امام حسین(ع) لشکر 30 هزار نفری یزید را شکست داده و پیروز می شد. چطور سپاه 20 هزار نفری مختار با اینکه انگیزه هایشان بالاتر از انگیزه های اصحاب اباعبدالله(ع) نبود توانستند لشکر 80 هزار نفری شامیان را در هم بکوبند و پیروز شوند. از طرفی در روز عاشورا حدود 72 تا 100 نفر از یاران امام حسین(ع) یک صبح تا عصر لشکر 30 هزار نفری دشمن را معطل کرد.

اگر آن 4 هزار نفر توابعین امام را در کربلا همراهی می کردند قطعاً بنی امیه را بر می انداختند و آن کار امام زمان(عج) را امام حسین(ع) شروع می کردند و نعمت ولایت محقق می شد. از عدل الهی دور است که بخواهد فقط در آخرالزمان حاکمیت عدل برای بشر ایجاد کند، خیر؛ خداوند از امام علی(ع) اراده کرد که این وضعیت برای جامعه بشری ایجاد شود اما خود مردم به میدان نیامدند و اینگونه رقم خورد که فقط چشم امید به امام زمان(عج) آخرین حجت خدا باشد تا او بیاید و جهان را نجات دهد.

* در روایات از دیگر ائمه سخنانی در شأن امام زمان(عج) و در اشتیاق دیدن آن دولت و حکومت الهی را می بینیم؟ آیا معنای این روایات این است که مقام امام زمان بالاتر از دیگر ائمه است؟

- قیام حضرت اباعبدالله(ع) با نداشتن عده و عده کافی برابر ظلم و ستم در آخرالزمان الگو می شود یعنی مردم در برابر قدرتها می ایستند با اینکه توان ایستادن ظاهراً ندارند اما از مرگ نمی هراسند و در راه ایجاد حکومت حق حاضرند هزینه کنند و جان خود را بگذارند که آن را از واقعه عاشورا آموخته اند. این مسئله وقتی عمومی شود امام زمان(عج) ظهور می کند. الان مانع اصلی ظهور این است که هنوز جامعه بشری به آن موقعیت نرسیده است که از قدرتها و ظلمها به جان آمده باشد اما به حمدلله در یکی دو سال اخیر ما شواهدی از خروج مردم بر حاکمان جبار را در نقاط مختلف جهان می بینیم.

وقتی خواست منجی جهانی شود که فقط در آخرالزمان اتفاق می افتد آنگاه امام مهدی(عج) به اراده الهی ظهور می کند و آن حکومت حقه الهی که 11 امام بزرگوار پیشین می توانستند تشکیل دهند اما شرایط فراهم نبود، را آن بزرگوار ایجاد می کند لذا برای آن امام معصوم پیشین هم لذت بخش و زیباست که حاکمیت حق را ببیند که ولایت اهل بیت در جهان برای سعادت بشری محقق شود لذا امام صادق(ع) در روایات و در دعای عهد آرزو می کند که ای کاش در آن موقعیت باشد و نجات جهان را که قبلاً می توانست توسط خود او انجام گیرد، اما به دلیل عدم قابلیت مردم به تأخیر افتاد، را ببیند. اینطور نیست که مقام امام زمان(عج) از دیگر ائمه بالاتر باشد بلکه آن موقعیتی که برای امام زمان فراهم می شود و می تواند حکومت واحده عادلانه جهانی را تشکیل دهد این آرزوی دیگر ائمه نیز است.

گفتگو از زینب ملکی